

بررسی ارث زن در قانون و عرف ایران و هندوستان

مینا صابردوست

دکتر امیر حمزه سالارزایی

چکیده

در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه ای تهیه گردیده است، ارث زن در قانون و عرف ایران و هندوستان به صورت مقایسه ای، مورد بحث قرار گرفته است. ارث متعلق به زن از نظر قوانین اسلام، ملک طلق وی تلقی شده و حتی زن، ملزم نیست آن را برای مخارج زندگی شخصی خود هزینه کند؛ چرا که نفقه ی او بر عهده ی اولیا و همسر اوست. در قانون هند، زن دارای ارثی برابر با مردان است. در حالی که در هر دو کشور، عرف در برخی موارد، مانع رسیدن زنان به ارث می شود، این مشکل در کشور هندوستان نسبت به ایران، مشهودتر و بیشتر است. از آن جا که اسلام، دینی کامل و همه جانبه است و جهانی شدن آن، برطرف شدن شبهه های وارده است و همچنین از مواضعی که بسیار مورد هجوم ی دشمن قرار گرفته، مسائل مربوط به زنان است؛ بنابراین بررسی مقایسه ای آن در قالب جامعه ای اسلامی مانند ایران با سایر مذاهب و جوامع ضروری است. از این رو با بررسی تطبیقی ارث زن در قانون و عرف ایران اسلامی و هندوستان، چنین نمودار می شود که به طور کلی در مجموع با توجه به قانون و عرف هر دو کشور، دسترسی زن به سهم الارث خود بیشتر از کشور هندوستان است.

کلید واژه ها: ارث، حقوق مالی، زن، عرف، حقوق مدون، حقوق عرفی.

*Email: amir_hsalar@theo.usb.ac.ir

**Email: saberdoostm@yahoo.com

مقدمه

سخن گفتن از حقوق انسان در قالب جدید و مدون را می‌توان آبرومندانه‌ترین ویژگی دوران معاصر نام نهاد. دانشوران حقوق و سیاست، صاحبان قدرت و معلمان اخلاق و فضیلت، همگی با مبانی و انگیزه‌های متفاوت، در باب چرایی و چگونگی حقوق انسان‌ها سخن می‌گویند. در میان انبوه گفت و شنودهایی که از این محافل به گوش می‌رسد، برخی گفتمان‌ها، پر رونق‌تر و حیاتی‌تر می‌نمایند. از آن جمله می‌توان به حلقه‌ی گفتگو از حقوق سیاسی انسان و حوزه‌ی گفت و شنود از «حقوق زن» اشاره کرد.

رفع تبعیض‌های حقوقی ناشی از جنسیت، در ابعاد مختلف زندگی حقوقی بشر، با تأکید بر حقوق زن، محور اصلی همه معاهدات و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق زنان را تشکیل می‌دهد. به دلیل نقش بنیادین اقتصاد، در زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان، دفاع از حقوق مالی زنان و از جمله بهره‌ی آنان از ارث، اشخاص و حلقه‌های دفاع از حقوق زنان را سخت به خود مشغول داشته است. (دیلمی، ۱۳۸۱: ۲۹)

اما از آن جا که آداب و رسوم رایج بین مردم، همیشه در مقابل ضوابط قانونی قرار داشته و انس مردم به سنت‌های محلی و قبیله‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت، بررسی حقوق فردی و اجتماعی با این دو شاخص (عرف و قانون) اجتناب ناپذیر است. عرف قاعده‌ای است که به تدریج و خود به خود، میان همه‌ی مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده‌های الزام آور مرسوم می‌شود (ابن تراب، ۱۳۸۹: ۹۱) وابستگی عرف با قانون موضوعه، چنان است که معنی درست قواعد حقوقی را جز با ملاحظه‌ی آداب و رسوم اجتماعی نمی‌توان فهمید. (ابن ابوتراب، ۱۳۸۹: ۹۳) «عرف» اولین منبع حقوق و مقدم بر سایر منابع است. (ذوالعین، ۱۳۷۷: ۶۶۷) عرف به دو صورت قابل تعریف است:

۱- عرف صواب و متناسب و مربوط عقلا بوده و در قانون و احکام، جایگاه مقبول و ویژه‌ای دارد.

۲- عرف ناصحیح و فرهنگ‌های غلط که روح انسان‌ها به مرور زمان به آن خو گرفته و عمل بر خلاف آن را دون شأن خود می‌دانند.

بر اساس موارد گفته شده، گاه دیده می‌شود که دامنه‌ی عرف نادرست بر مفاد قوانین

مدون و وضع شده از سوی دولت ها، حاکم گردیده و روح قانون را خدشه دار می نماید. مسائل مربوط به حقوق مالی زنان نیز از این امر مستثنا نبوده و به وضوح می توان این موضوع را در جوامع مختلف مشاهده نمود. به عنوان نمونه در کشور هند، با توجه به این که آداب و رسوم ایالت ها، غالب بر قوانین است، مشاهده می شود که زنان در مسایل مالی و مخصوصاً بیوه زنان در مسأله ی توارث از شوهر متوفای خود، مورد کم مهری قرار گرفته اند و پس از مرگ شوهر تا حدودی از آسیب پذیرترین صنف جامعه تلقی می گردند. در کشور ایران با وجود حاکمیت قوانین اسلامی نیز، زوجه در مسأله گفته شده (ارث بری از اموال شوهر) مجبور است در بعضی اوقات به اصول عرف تن دهد. در این نوشتار برای بررسی برخی از آسیب های غالب، به مطالعه ی تطبیقی ارث زوجه از همسر خود در قوانین و عرف ایران و هندوستان و بیان نقاط اشتراک و افتراق پرداخته می شود.

پرسش اساسی این نوشتار، این است که آیا مزیت های حقوق مالی زن در بخش ارث در نظام حقوقی و عرفی هندوستان بیشتر است یا در نظام حقوقی و عرفی ایران که مبتنی بر اسلام است؟

فرضیه ی مقاله این است که: به اعتبار غایت و واقعیت، اگرچه مزایای حقوق مالی زن در بخش ارث در نظام حقوقی ایران کمتر از نظام حقوقی هندوستان است، معمولاً قوانین ارث در هندوستان از پشتوانه ی اجرایی چندانی برخوردار نبوده و در عرف اکثر ایالات به خصوص ایالت های روستانشین، بیشتر زنان از ارث محروم هستند؛ در حالی که در مجموع بر اساس نظام حقوقی و عرفی ایران، زنان دسترسی بسیار بیشتری به سهم الارث خود داشته و به ندرت مشاهده می شود که عرف در این مسأله، خلاف قانون حکم کند.

پیشینه ی تحقیق

اگرچه مقالاتی مانند "تفاوت ارث زن و مرد در اسلام" از عسکر اسلام پور، (۱۳۸۳)، نقش عرف در حقوق همسران از مریم ابن ابوتراب (۱۳۸۹)، نگاهی به حقوق زن در اسلام از محمد رضا باقر زاده (۱۳۸۲)، مطالعه تطبیقی ارث زن از احمد دیلمی (۱۳۸۱) جایگاه و حقوق زن در هندوئیسم و قوانین جدید هند از نسرین توکلی (۱۳۸۹) و جامعه هند و مسائل زنان و خانواده

از محبوبه پلنگی (۱۳۷۶) نوشته شده است اما در زمینه ی موضوع مقاله ی حاضر تا کنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

ارث زوجه در قانون هند

الف) زن در قانون هند قدیم (قبل از سال ۱۹۵۶)

زنان در کتاب های قانون قدیم، نازلترین شأن شخصیتی و اجتماعی را داشته و از حضور در فعالیت های اجتماعی و مذهبی محروم بودند. (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

در برخی از قبایل هندی، زن پس از شوهرش به عنوان ترکه به ارث می رسید و یا بر اساس رسم «ساتی»، او را به همراه جسد شوهرش در آتش می افکندند و یا او را خفه کرده و به همراه شوهرش در گور می نهادند و این امر را نشانه ی اعلام وفاداری و عشق زن هندی به شوهرش، قلمداد می کردند. در برخی از قبایل هندی، زن حکم اموال را داشت و در بین ورثه تقسیم می شد. (اسلام پور، ۱۳۸۳: ۸۰) در گذشته زندگی تحقیر آمیز پس از مرگ شوهر آنچنان برای زن سخت و طاقت فرساست که دامنه ی تحمل او را کاهش داده و برای اجتناب از تحقیر، مرگ شایسته را (ساتی) انتخاب می کرد و معتقد بود که این عمل نه تنها باعث عزت او، بلکه موجب سرفرازی خانواده اش نیز می شود. (Nehaloddin, 2009: 2)

البته یکی از اصلاح طلبان مشهور هندی به نام «راجام موهان روی» در اوایل قرن نوزده میلادی، مبارزه ی خود را علیه رسم ساتی آغاز نمود؛ در نتیجه ی تلاش های وی، حاکم انگلیسی وقت هندوستان به نام «لرد ویلیام بنیک» قانون ممنوعیت ساتی را در سال ۱۲۷۱ تصویب کرد. بر اساس این قانون، سوزاندن بیوه ی شوهر متوفی و یا زنده مدفون کردن وی، جرم تلقی می شود و قابل تعقیب است. (پلنگی، ۱۳۷۶: ۲۰)

ب) زن در قانون هند کنونی

قانون وراثت هند در سال ۱۹۵۶ وضع شد و قانونی در ارتباط با وراثت بدون وصیت در سرتاسر هند، بجز ایالت جامو و کشمیر گسترش یافت. این قانون، قابل اجرا برای هر فرد هندو با هر مذهبی در هر یک از فرم ها و تحولات از جمله ویراشایوا، لینگایات یا یک پیرو برهما، پراتانا، یا آریا ساماج است. این قانون قابل کاربرد برای همه ی هندوها، بودا، برهمابودا،

و سیک است. (S.R,2002:154)

ماده ی ۲۱ از قانون ازدواج، در باب قانون وراثت هندی تنظیم شده است که پس از قرار دادن پیمان و یا توافقنامه از سوی حاکم هر کدام از ایالت ها با دولت، این قانون تصویب گردید. (Martha, 2003, 12) در قانون ازدواج که تحت عنوان قانون جانشینی هند نامگذاری شده است، بخش اول از قانون ششم وراثت، مربوط به ارث بیوه زنان است که در آن بیوه زن با فرزندانش طبقه ۱ و درجه ۱ محسوب شده و سهم او برابر سهم پسران متوفی است؛ البته مرد دارای این حق است که بر طبق وصیت قبل از مرگ خود، زن را به طور کامل از ارث محروم نماید. (S.R.2002, 154) همچنین یک مرد می تواند بنا بر وصیت، اختیاری را برای همسرش ایجاد کند که از اموال او فقط در زمان حیات خود استفاده نموده، آن را انتقال نداده و به فروش نرساند. (Diwan,1998: 30) در قانون اساسی هند هم آمده است که زن به اندازه ی مرد از ارث سهم می برد؛ ولی عملاً در روستاها، ارثیه به دست مرد می افتد. (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۶۰)

ارث زن در عرف کشور هندوستان

قابل ذکر است که کشور هند با نزدیک به ۱/۱ میلیارد نفر جمعیت، دومین کشور پرجمعیت جهان محسوب می شود. علی رغم وجود شهرهای بزرگ، هنوز هم این کشور عمدتاً یک کشور روستایی به شمار می آید. در حدود ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت هند در روستاها به سر می برند. (کا. پاتاس و امایا، ۱۳۸۱: ۱۸)

با توجه به مطلب فوق، بیش از نیمی از جمعیت هند در روستاها زندگی می کنند. درست است که نمی توان به صورت قطعی ادعا کرد که در همه ی خانواده ها، سیستم مرد سالارانه حاکم است؛ اما در محیط روستاها، این مسأله بسیار مشهود است و این در حالی است که زندگی های شهر نشین نیز، به طور کامل از این امر مستثنا نیستند.

آن چه شایان ذکر است این است که حقوق مالکیت وراثت در هند، بیشتر به وسیله ی عرف محلی اداره می شود که این عرف از روستایی به روستای دیگر و از ایالتی تا ایالت دیگر متفاوت است. قوانین وضع شده از سوی قانونگذاران در برابر آداب و رسوم محلی،

چنان مغلوب است که زمینه‌ی محرومیت زنان بی سرپرست را از ارث فراهم نموده است. عرف حکم می‌کند که داشتن فرزند پسر برای بیوه، باعث فراهم آمدن وسایط رفاه بیشتر زندگی و فقدان فرزند یا وجود فرزند دختر، مولد مشکلات زیادی است؛ چراکه با حضور فرزند پسر، وی می‌تواند در خانه‌ی شوهر مانده و از اموال مشترک خانواده به حد رفع نیاز (بدون هیچ مالکیتی) و برای مدت موقت استفاده نماید و بیوه‌ای که مادر فرزند دختر یا بدون فرزند باشد، به جاهای دوردست فرستاده می‌شود. اگرچه برطبق قانون جانشینی ۱۹۶۹ زنان از حق ارث برخوردار گردیدند؛ اما در عمل حق آنان نقض می‌شود و گاهی درگیری بیوه با بازماندگان شوهر بر سر زمین‌ها و ارثیه، آنقدر سخت است که برادر شوهران، بیوه را مجبور به ترک روستا می‌کنند و با توجیه ادعای خود مبنی بر این که پول زیادی خرج تشییع جنازه‌ی برادر و خرج و مخارج فرزندان او نموده‌اند، بیوه را به کلی از ارث محروم می‌کنند. (Martha, 2003:12)

به طور کلی، کشور هند متشکل از ۲۵ ایالت و هفت سرزمین متحد است. تنوع فرهنگ در آن، یک امر طبیعی و عادیست و بدون شک، رفتارهای متفاوتی در مسأله‌ی برخورد با زنان وجود دارد که در هر ایالت، سلامت زنان و حفظ عزت آنان مرتبط با وضعیت آن‌ها در اجتماع است. (Victoria A, 1998:2) طبق سرشماری سال ۲۰۰۱ مشخص شده است که ۹/۶ درصد از زنان هندی، بیوه هستند که حدود ۴۵ میلیون نفر از جمعیت هندوستان را تشکیل می‌دهند که وضعیت حاکم بر کشور هند و آداب و رسوم محلی، آنان را از چرخه‌ی زندگی اجتماعی زنان خارج می‌کند و همچنین نگرش جامعه درباره‌ی آنان، پیامدهای فردی، اجتماعی و حتی اقتصادی زیادی را ایجاد می‌کند. وجود سیستم مرد سالارانه در بعضی نهادهای اقتصادی، فرهنگی و قانونی باعث شده است که زنان بیوه، سه برابر زنان دیگر مورد ظلم واقع شوند. یکی به دلیل زن بودنشان، دوم به خاطر فقیربودنشان و سوم چون یک زن بیوه‌ی فقیر هستند و بیوگی به مشکلات دیگرشان اضافه شده است. (Meera. 2010: 2)

عرف در این کشور ایجاب می‌کند که زن پس از مرگ شوهر، حق ماندن در خانه‌ی شوهر را ندارد و سریعاً بدون توجه به موقعیت بیوه، اموال و حتی خانه‌ی مسکونی را تقسیم می‌کنند. عمل به قوانین عرفی، آوارگی بسیاری از زنان را پس از مرگ شوهرانشان به همراه دارد.

این بی خانمانی به وسیله ی بستگان مرد که به طریقی متناسب به شوهر هستند، با هدف به دست آوردن زمین های زراعی مربوط به شخص مرحوم است. (Nehaluddin, 2009:4) مطالعه ی دقیق در علل و عوامل خشونت علیه زنان و بیوه زنان در هند، نشان می دهد که یکی از عمده دلیل های مؤثر در اجحاف نسبت به زنان، وجود سیستم مردسالاریست که مجموعه ای از ایده ها و تفکرات است که فرهنگ آن جامعه را تشکیل می دهد و محتوای جوانبی از قانون، کار، مذهب، خانواده و حتی فیلم ها را می سازد. شرایط بیوه زنان با توجه به صنف و طبقه ی اجتماعی و منطقه ی جغرافیایی محل زندگی، باهم متفاوت است. (Jonson, 2001: 1051)

برداشت مطالب فوق چنین است که عامل پایه ریزی ضوابط غلط در رفتار با زنان پس از مرگ شوهرانشان در عرف هندوستان، وجود سیستم مرد سالاری در بعضی از روستاها و شهرهای این کشور است.

در تعدادی از ایالت ها، یکی از دلایل بی بهره شدن بیوه زنان از ارث را ازدواج مجدد می دانند؛ زیرا بر این باورند که ازدواج مجدد، مخصوص زنان بی بندوبار است. (Pandey, 2012:4)

لازم به ذکر است که از سوی قانونگذاران کشور هند، اصلاحاتی نیز برای بهبودی حقوق ارث زنان انجام گرفته که این اصلاحات، تأثیر بسیار اندکی بر دنیای واقعی داشته است. علت عقیم ماندن آن، کم آگاهی و مطالعات بسیار اندک در زمینه ی حقوق ارث زنان است. (Behrman, 2004:637) اما با استفاده از داده های تحقیقاتی که در ایالت کارناتاکا و ماهاراشترا در سال ۲۰۰۶ به دست آمده، نشان می دهد که تلاش های دولت و قانونگذاران در جهت برابری ارث زن و مرد، باعث شده که وضعیت زنان در این دو ایالت ۲۲٪ بهبود پیدا کند. (Deiningner, 2010: 25) از آن چه گذشت به طور کلی به نظر می رسد که در هندوستان:

- ۱- نظام خانوادگی، عمدتاً مردسالاری است.

- ۲- معمولاً زن بویژه از نظر حقوق مالی در مرتبه ی بعد از مرد و در خدمت مرد تلقی می گردد.

- ۳- در سال های اخیر، گام های مثبتی برای عزت و رفاه اجتماعی زن برداشته شده و عرف را تحت تأثیر قرار داده است.

ارث زوجه در قانون ایران

اگر چه قانون مدنی ایران که متن آن برگرفته از قرآن و سنت است، بیانگر تمام مسائل مربوط به احوال شخصیه است؛ اما ادعای این که قوانین وضع شده به طور کامل از سوی افراد به مرحله اجرا درمی آید، ادعایی واهی و نادرست است. بدیهی است که اگر قانون مترقی در عمل اجرا نشود، این ضعف مجریان و تابعان قانون است نه مخدوش بودن خود قانون. در قانون مدنی بر لزوم ارث دادن به زنان تأکید شده و چنین بیان می دارد که: «به مجرد انعقاد پیمان زناشویی، زن، دارای حق ارث در اموال شوهر به میزان معین است (ماده ۹۴۰ ق.م) و هرگاه پیمان زناشویی گسسته شود در طلاق رجعی، تا پایان زمان عدّه، حق ارث، ثابت است (ماده ۹۴۳ ق.م) و اگر طلاق در زمان بیماری که به مرگ انجامیده، واقع شود تا یکسال، حق ارث، باقی است. (ماده ۹۴۰ ق.م) در ماده ۹۴۶ ق.م نیز میزان سهم الارث زوج و زوجه را مشخص کرده است؛ به این صورت که زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق است. (یزدانی، ۱۳۸۳: ۶۸) حال به توضیحی در باب اموال منقول و غیر منقول پرداخته می شود. در ماده یازده قانون مدنی به ترتیب چنین توضیه داده شده است که:

اموال بر دو قسم است: منقول و غیرمنقول

۱- مال غیرمنقول

مال غیرمنقول آن است که قابل نقل و انتقال نیست که این انتقال ناپذیری یا ذاتی است؛ مانند خانه ها و بناها و یا با دخالت انسان است؛ مانند وسایلی که برای همیشه در ساختمان ها نصب می شود. در ماده ۱۲ قانون مدنی آمده است، مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه ی عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود. در ماده ۱۳ تا ۱۷، مواردی را بیان کرده که از اصل منقول بوده و به واسطه ی ایجاد نصب

و الصاق همیشگی به اموال غیر منقول، حکم اموال غیر منقول را به خود گرفته اند که عبارتند از: اراضی و ابنیه و آسیاب و هر چه که در بنا منصوب و عرفاً جزء بنا محسوب می شود، غیر منقول است و همچنین است لوله ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد. آینه و پرده ی نقاشی و مجسمه و امثال آن ها، در صورتی که در بنا یا زمین به کار رفته باشد، به طوری که نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود، غیر منقول است. ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است، غیر منقول است. اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد، تنها آن قسمت منقول است. مطلق اشجار و شاخه های آن و نهال و قلمه، مادام که بریده یا کنده نشده است، غیر منقول است. همچنین حیوانات و اشیایی که اختصاص به عمل زراعت دارد؛ مانند گاو و گاومیش، اسباب و ادوات کشاورزی و آن چه برای آبیاری زمین و باغ اختصاص دارد، در حکم منقول است. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۴) اموالی که تابع اموال غیر منقول هستند: بعضی از اموال، غیر منقول نیستند؛ اما تابع اموال غیر منقول هستند.

حق انتفاع از اشیای غیر منقول: ماده ۴۰ قانون مدنی، حق انتفاع را چنین تعریف می کند: حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می تواند از مالی که عین آن ملک دیگر است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند. (یزدانی، ۱۳۸۳: ۴)

۲- مال منقول

در ماده ۱۹ قانون مدنی، اشیای منقول را چنین تعریف نموده است: اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد. بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۵) انتقال گاهی برای جسم یا شیء به کار می رود و گاهی نقل حقی مانند دین و یا مال الاجاره است. نکته ی دیگر این که اگر اجزاء مال غیر منقول، بدون از بین رفتن و به صورت مجزا قابل نقل باشند، جزء مال منقول محسوب می شوند. اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است. (ماده ۱۹) کلیه ی دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم، در حکم منقول است. ولو این که مبیع یا

عین مستأجره از اموال غیر منقوله باشد. (ماده ۲۰) انواع کشتی های کوچک و بزرگ و قایق ها و آسیاها و حمام هایی که در روی رودخانه و دریاها ساخته می شود و می توان آن ها را حرکت داد و کلیه ی کارخانه هایی که نظر به طرز ساختمان، جزو بنای عمارتی نباشد، داخل در منقولات است؛ ولی توقیف بعضی از اشیای مزبوره ممکن است. نظر به اهمیت آن ها، موافق ترتیبات خاصه به عمل آید. (ماده ۲۰) مصالح بنایی از قبیل سنگ و آجر و غیره که برای بنایی تهیه شده یا به واسطه ی خرابی از بنا جدا شده باشد. مادامی که در بنا به کار نرفته، داخل منقول است. (ماده ۲۲) (امامی، ۱۳۷۷: ۳۴)

ارث زوجه در صورتی که وارث منحصر باشد

در ماده ۹۴۹ قانون مدنی نیز آمده است: «در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه ی زن متوفای خود را می برد، لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ی ترکه ی شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ ق.م. خواهد بود. (نیازی، ۱۳۹۰: ۶۸) قانون موضوعه بنا بر رأی مشهور فقها وضع شده است و با توجه به مشکلات اقتصادی امروزه که زوجه را پس از مرگ شوهر تهدید می کند و همچنین با توجه به این که در طول زندگی مشترک، اموال جمع آوری شده ی مرد معمولاً با مجاهدت و پشتوانه ی زن است، تجدید نظر در قانون فوق، ضروری به نظر می رسد. شیخ مفید معتقد است که وقتی برای ازدواج، وارث دیگری نباشد، باقی ترکه به همان زوج یا زوجه داده می شود. (نراقی، بی تا/ ۲: ۲۴۲) از آن جا که شیخ مفید (ره) جزء افراد ثقه بوده و نظر ایشان معتبر و قابل قبول است، بنابراین قانونگذار می تواند با در نظر گرفتن مسایل اقتصادی روز جامعه، براساس این نظر معتبر، بقیه ی ماترک شوهر را در صورت نبودن وارث دیگر به زوجه بدهد. نکته ی اساسی این که، همان طوری که زوج در ارث بری مانع ندارد، در هیچ حالتی نیز، وراثان دیگر مانع ارث بردن زوجه نمی شوند.

در ماده ۸۹۱ این قانون آمده است: زن به عنوان همسر، با عنوان زوجیت، ارث می برد؛ نه مانع وراثتی مانند پدر، مادر، خواهر و برادر و... می شود و نه هیچ وارثی می تواند مانع از ارث بردن او گردد. (نیازی، ۱۳۹۰: ۶۳) یعنی در هیچ حالتی، زن محروم از ارث شوهرش

نمی شود، خواه با وارثان طبقه یک، خواه درجه ۲ و ۳ باشد، در تمامی حالت ها سهمش به همان حالت مفروض بوده و کاستی نمی یابد.

بنا بر مواد ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ در تمام صور موجوده در مبحث ارث، هر یک از زوجین که زنده باشد، فرض خود را می برد. در چنین حالتی اگر وراثت متعدد باشند و متوفی فرزندان زیادتری داشته باشد، سهم زوجه بیشتر از ذکور می شود. (یزدانی، ۱۳۸۳: ۶۳)

ارث زوجه از دیدگاه عرف کشور ایران

در کشور اسلامی ایران نیز که احکام و قوانینش نشأت گرفته از کتاب و سنت است، بازهم در بعضی مواقع، اصل قانون موضوعه نادیده گرفته شده و عرف رایج در بین مردم به مقابله با قانون برخاسته و عرف بر قانون حاکم می شود. در حیطه ی مسایل زنان به راحتی می توان چنین مواردی را یافت که زن به دلیل تفکرات مردسالارانه، مجبور به تن دادن به حکم های صادر شده توسط عرف ناصحیح مردم می شود. در مسأله ی ارث زوجه نیز، گاهی دیده می شود که خانواده ی شوهر و حتی فرزندان، زن را تا حدودی در حاشیه نگه داشته و از قسمتی از اموال ماترک شوهر محروم می نمایند. به عنوان مثال گاهی مواقع در عرف، زنان علاوه بر عین زمین از قیمت آن نیز به بهانه های متفاوت بی نصیب می شوند و زن نیز در نقش یک عضو از خانواده ی شوهر و یا در نقش یک مادر، براساس تعارف و تکلفات خانوادگی و یا احساس مادرانه از رجوع به قانون برای دریافت حقتش خودداری می کند. از سوی دیگر حيله های قانونی نیز، دست افراد سودجو را در انتقال مایملک متوفی به دیگران از راه های جعلی به غیر و ایجاد زمینه ی محرومیت بیوه از ارث باز گذاشته است. یکی از دلایل دور نگهداشتن زنان از سهم الارث خود، عدم آگاهی آنان از فنون قانونی و نداشتن جرأت کافی برای اقدام به گرفتن حق خود است. بنابراین در کنار قانون، عرف نیز صاحب نظر و گاهی مواقع حاکم است؛ اما این که زن را به طور کامل در ارث بی بهره نمایند، چیزی است که معمولاً در عرف ایران انجام نمی شود.

در باب جایگاه عرف در مسایل زنان باید گفت که تصویری که از زن در جوامع اسلامی عرضه می شود و نحوه ی نگرش و برخورد با تشخص و منزلت زن، همه گویای این مطلب

است که التقاط و انحرافی صورت گرفته به این معنا که، برخی از احکام دینی با آداب و عادات و سنت های ناصوابی که بعضاً ریشه در جاهلیت نخستین دارد، درآمیخته است که البته در این راستا، باید عرف را به عنوان اصل متغیر و نه ثابت، در نظر بگیریم و تنها معارف اسلامی و قوانین دینی، به عنوان اصل ثابت و اولیه لحاظ شوند؛ همانگونه که مصلحان واقعی جوامع یعنی انبیاء نسبت به عرف زمان خودشان، دست به اصلاحات زدند و دیدگاه های ناصواب را تغییر دادند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با عرف مقابله نمود و هویت از دست رفته ی زن را به جامعه باز گردانید. قرآن کریم با طرح الگوهای برجسته زنان، عرف و فرهنگ حاکم بر آن روزگار را دگرگون ساخت. بنا به گفته ی حائری شیرازی، اگر آن چه را اسلام آزاد کرده، بدلیل عرف ممنوع نمائیم، باید پیامد خسارت بار آن را تحمل کنیم. (فتاحی زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

بعضی مواقع شبهه های وارده، حاکی از دو اشکال است

- ۱- کمتر بودن سهم الارث زن در برابر مرد ظلم به زن محسوب می شود. به فرض مثال مبنای تفاوت سهم الارث زن و مرد را باید در عدم مسؤولیت وی در قبال مسائل اقتصادی خانواده و عدم الزام وی به خدمت و جهاد دانست که از جهت اقتصادی و مالی، زن را از هر گونه هزینه سازی در امور مالی معاف و او را تحت حمایت مرد قرار می دهد. در این خصوص اگر گفته شود: چرا اسلام ارث را نصف قرار داده تا از آن طرف بخواهد مسؤولیت اقتصادی را از دوش زن بردارد؟ پاسخ این است که این حکم است که بر مبنای مسؤولیت های مالی شده است نه به عکس. در اسلام به دلیل آن که نهاد خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است، از زن به عنوان محور استحکام خانواده، مدیریت داخلی خانواده خواسته شده است تا فارغ از هر گونه مسؤولیت و دغدغه ای، به این مهم بپردازد و در همین راستا، مسؤولیت مالی و اداره ی اقتصادی خانواده بر دوش او نهاده شده است. بنابراین، اهداف اجتماعی و تربیتی اسلام، مبنای تنظیم احکام مربوط به مسؤولیت های مالی است، چنان که آن ها نیز مبنای حکم ارث و مانند آن است. (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۲۱)
- ۲- این مقدار نفقه برای گذران امور زن کافی نبوده و زن مورد اجحاف قرار می گیرد.

در قبال این اشکال جواب داده می شود که اولاً قانون ارث زن با پشتوانه محکم اجرایی، زن را به حقوق مفروضه ی خود می رساند و در ثانی زن با داشتن حق مهریه و رجوع به قانون و دریافت آن، می تواند نقیصه های مالی خود را برطرف نماید. پرداخت نفقه به زن حامله در ایام عده ی وفات نیز، راه دیگری برای جبران است. قانون وقتی زنی را مکلف به نگه داشت عده ی وفات و ممنوعیت از ازدواج به مدت ۴ ماه و ده روز می نماید، باید حقوقی هم برای آن در نظر بگیرد و پرداخت نفقه و تأمین مسکن برای زن در مدت ایام عده می تواند از مشکلات اولیه زوجه ی همسراز دست داده تا حدودی بکاهد. همچنین پرداخت اجرت المثل پس از فوت شوهر، یکی دیگر از راه های جبران نقیصه ی ارث زن بوده و همانطوری که زن مهریه را از ماترک شوهر وصول می کند، می تواند اجرت المثل سنوات زندگی مشترک (که به صورت غیر تبرعی انجام داده) را نیز از اموال ماترک شوهر مورد مطالبه قرار دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۸)

البته ادعای این حق در زمان حیات شوهر ممکن است باعث اختلاف و ناراحتی گردیده و زندگی زناشویی را سست نماید؛ اما مورد مطرح شده مربوط به ایام بعد از وفات شوهر است. یعنی همانطور که زن مجاز به مطالبه ی مهریه است، میتواند اجرت المثل زحمات خود را نیز از ورثه مطالبه نماید.

گاهی ایراد وارد شده است که موارد فوق بدون طی مراحل سخت قانونی و گرفتن وکیل قابل اجرا نیست. جواب اینست که وضع قانون برای جلوگیری از سرکشی و طغیان افراد در برابر حقوق یکدیگر است. بنابراین اگر قرار بود افراد یک جامعه بدون هیچ گونه نزاعی به حق خود برسند، به صورتی که حقی را از دیگران زایل نسازند، پس وضع قانون و ضمانت اجرایی آن که یک رویه بین المللی است، جایگاه و موقعیتی نداشت. در حالی که هیچ قوم و ملتی حتی اقوام زمان رسول خدا(ص) و ائمه ی اطهار(علیهم السلام) بدون قانون موضوعه، قادر به رعایت حقوق یکدیگر نبودند. آن چه مهم و اساسی است، این است که قانون فقط حالت صوری و ظاهری نباشد؛ بلکه از پشتوانه ی اجرایی برخوردار باشد. حتی اگر منجر به فشار و سختی شود.

جای تفکر و تامل زمانی است که در بعضی جوامع، قانون فقط در حیطه ی وضع باقی

مانده، به عرصه های اجرایی راه پیدا نمی کند. بیان این نکته نیز ضروری است که سختی ها و پیچ و خم های قانونی در همه ی جوامع و در بیشتر مسایل، امری است طبیعی و مربوط به کشور ایران و مسایل زنان نیست.

نقاط اشتراک و افتراق قانون و عرف ایران و هندوستان در باب ارث زوجه

تشابه قانونی در این است که در قانون هر دو کشور، زوجه را در زمان تقسیم الارث، درجه یک محسوب کرده، به صورتی که مانع نداشته و در هر صورت از ارث محروم نمی شود؛ و نیز این که طبق هر دو قانون، بیوه زنان هر تعدادی هم که باشند، فقط یک سهم می برند و بین خود تقسیم می کنند. اما فرق بین آن دو، در این است که در قانون ایران سهم زن از میراث در صورتی که فرزند نداشته باشد، یک چهارم و در صورتی که متوفی دارای فرزند باشد، یک هشتم است؛ در حالی که در قانون هند، زن سهمی برابر با پسران متوفی دریافت می نماید. به نظر می رسد که در قانون هند برای امتیاز دهی به بیوه، ارث او را برابر مردان قرار داده است؛ اما این قانون در حد وضع باقی مانده و کمتر به عرصه ی اجرا می رسد، به صورتی که در مواردی، در عمل زن از ارث محروم می ماند.

با توجه به مطالب فوق و بیان مسأله ی عرف، تشابه های عرفی عبارت است از این که، در هر دو عرف ایران و هندوستان، گاه بر اساس تفکرات مرد سالاری و عدم آگاهی و شجاعت کافی از سوی بیوه، حقوق زنان در زمینه ی ارث، پایمال می شود؛ اما تفاوت آن ها در این است که در عرف هند، بیوه کمتر به حقوق مدنی مالی خود می رسد و معمولاً از همان آغاز بدون توجه به موقعیت بیوه، تمام اموال را حتی خانه ی مسکونی تقسیم کرده و بیوه را آواره می کنند. در ایران قانون مدنی، دارای ضمانت اجرایی بیشتری است و به ندرت دیده می شود که خلاف قانون عمل شود؛ زیرا دستگاه های قضایی با متخلفان برخورد نموده و در جاهایی دست زنان را باز گذاشته تا در صورت عدم پرداخت حقوق مالی، از سوی دیگران حق خود را استیفا نماید. در کشور ایران، قانون مدنی علاوه بر تعیین سهم الارث زنان، برای استیفاء آن نیز، راه چاره اندیشیده است. پشتوانه ی اجرایی آن ماده ۹۴۸ قانون مدنی است که مطابق آن هرگاه ورثه از اداء قیمت امتناع کنند، زن می تواند حق خود را از

عین‌اموال استیفا کند. با مقایسه ی ظاهری قانون ارث بیوه در ایران و هندوستان، به نظر می آید که ارثیه ی زن در قانون هندوستان، بیشتر از سهم زنان در ایران است؛ اما با توجه به این که در عرف کشور هند، زنان مجبور به پرداخت مهریه های نقدی بسیار سنگین به خانواده ی داماد هستند، این امتیاز از بین می رود. مهریه یک جریان یک طرفه است که طی آن، خانواده ی عروس هدایای سنگینی را به داماد آینده ی خود می پردازد و آن را پشتوانه ی پیدا کردن همسر مناسب برای دختران قرار می دهد. (Johnson, 2001. 1057) اما مطابق قانون مدنی و عرف ایران، مهریه که غالباً رقم سنگینی است به عنوان پیشکش، از سوی مردان به زنان پرداخت می شود.

راهکارهای قابل اجرا، جهت کمتر نمودن مشکلات زنان پس از مرگ شوهر

با توجه به این که زنان در حیطه ی مسایل عرفی بعضاً از حق خویش محروم مانده و به خصوص بیوه زنان پس از مرگ شوهر، با مشکلات عدیده ای روبه رو هستند؛ بنابراین اقدامات زیر ضروری به نظر می رسد:

- ۱- از آن جا که خواستگاه تبعیض جنسیتی، خانواده ها هستند، اصلاح دیدگاه نسل جدید به عنوان پدر و مادران آینده از طریق تبلیغات رسانه ای، یک ضرورت است .
- ۲- قرار دادن یک واحد درسی در زمان تحصیل دانش آموزان مبنی بر فلسفه ی حقوق خانواده و رعایت حقوق مالی و غیر مالی در خانواده که هسته ی مرکزی جامعه ی مدنی است، یک امر پسندیده خواهد بود.
- ۳- اصلاح سیستم قضاوت و رسیدگی به شکایات زنان بیوه در جهت تسریع و تسهیل دسترسی به حقوق خود.
- ۴- قرار دادن بیمه های درمانی و بیمه های بازنشستگی برای زنان بی سرپرست.
- ۵- بنیاد نهادهای رفاه مدنی جامعه ی زنان، چون بیمه ی بیکاری و از کارافتادگی.
- ۶- به رسمیت شناختن اشتغال در خانه ی زنان خانه دار به عنوان شغل ستاره دار و بهره مندی از حقوق مناسب.

تأثیر ارث بردن زنان در زمینه فردی و اجتماعی

۱- اصلاح سیستم ارث بری زنان (بویژه در حالتی که زوجه و ارث منحصر باشد و تمام ترکه به او تعلق گیرد)، باعث بهبود در وضعیت زنان می شود. زیرا بسیار اتفاق افتاده که سرمایه های مالی و فیزیکی از مردان به زنان انتقال یافته و جایگزینی زنان به جای مردان، یک جانشینی همراه با سرمایه است نه بدون سرمایه و این سرمایه در گذر ایام به نسل او منتقل می شود. (Anderson, 2009: 179)

۲- منع توزیع عادلانه ی ثروت، باعث نابرابری شدید در سیستم اقتصادی کشور شده و در طرف دیگر تجربه نشان داده است که در جوامع پیشرفته، توزیع ثروت و مخصوصاً بهره برداری از زمین که یک منبع ضروری امرار معاش است، در سراسر نسل به طور سازنده به گردش درآمده است. (Becker, 1997: 1153)

لازمه ی توسعه ی اقتصادی کشور، از بین بردن فقر در جامعه است و زمانی که نظام توزیع درآمد از نسلی به نسل دیگر نابرابر باشد، به طور طبیعی در دست یابی به اهداف توسعه ی اقتصادی، تأخیر ایجاد می شود. یکی از منابع درآمد افراد جامعه، ارث است و از این رو توزیع ناعادلانه ی ارث، سبب ایجاد نابرابری اقتصادی در بین افراد جامعه اعم از زن و مرد می شود. از آنجا که ارث مربوط به بخش خصوصی است، این امر (توزیع ناعادلانه ی ارث) به تدریج و در طول زمان، زمینه ی ناکارآمدی بخش خصوصی را فراهم می کند؛ بنابراین بی عدالتی در تقسیم ارث، باعث به وجود آمدن تضاد طبقاتی و قرار گرفتن قشر وسیعی از جامعه در دهک های پایین اقتصادی کشور می شود که به دنبال آن از شرکت در فعالیت و سرمایه گذاری های اقتصادی محروم می شوند و در نهایت جامعه از تراز و تعالی باز می ماند.

نتیجه

با بررسی مقایسه ای ارث زوجه از ماترک شوهر از دیدگاه قانون و عرف در ایران و هندوستان، نتیجه چنین است که قوانین و عرف این دو کشور همانندی و تفاوت هایی دارد. شباهت قانونی، در این است که در هر دو کشور، زوجه در ردیف اول ارث بری قرار دارد

و با تمامی طبقات و درجات نسبی ارث بران شریک است و در هیچ صورتی (برخلاف خویشاوندان نسبی) مانع برای ارث بردن ندارد.

تفاوت اساسی آن دو کشور، در میزان سهم الارث زوجه و پشتوانه ی اجرایی آن است. از آن جا که در کشور هندوستان و به خصوص در روستاها، معمولاً عرف بر قانون غالب است، زوجه در عمل، از ارث کامل و به حق خود به صورت یک قضیه ی موجبه ی کلیه برخوردار نمی گردد؛ بنابراین پس از مرگ شوهر، در وضعیت نامطلوب تری نسبت به ایران زندگی می کند. در ایران نیز اگر چه گاهی عرف غالب، زن را از ارث محروم می سازد؛ اما قانون مدنی حاکم، زوجه را در رسیدن به حق خود همراهی کرده و وصول ارث را راحت تر می نماید. البته گاهی زن بیوه به عنوان مادر، و لو مالک همه ی ترکه ی شوهر متوفای خود نیست، لکن با ایثار فرزندان، متصرف کامل دارایی شوهر خود است.

منابع

- ۱- اسلام پور، عسکر، تفاوت ارث زن و مرد در اسلام، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۵، صص ۱۰۲-۷۶، ۱۳۸۳.
- ۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ نوزدهم، بهار ۱۳۷۷.
- ۳- ابن تراب، مریم، نقش عرف در حقوق همسران، ندای صادق، شماره ۵۲، صص ۱۰۸-۸۹، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- ۴- باقرزاده، محمدرضا، نگاهی به حقوق زن در اسلام، مجله معرفت، شماره ۷۰، صص ۲۸-۸، ۱۳۸۲.
- ۵- پلنگی، محبوبه، جامعه هند و مسائل زنان و خانواده، مجله پیام زن، شماره ۶۲، صص ۲۶-۲۰، ۱۳۷۶.
- ۶- توکلی، نسرین، جایگاه و حقوق زن در هندوئیسم و قوانین جدید هند، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۱، صص ۱۶۰-۱۵۲، ۱۳۸۹.
- ۷- دیلمی، احمد، مطالعه تطبیقی ارث زن، مجله نامه مفید، بهار ۱۳۸۱، شماره ۲۹، صص ۹۵-۱۱۶.
- ۸- ذوالعین، پرویز، منابع حقوق بین الملل عمومی، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۷.
- ۹- فتاحی زاده، فتحیه، زن در اندیشه تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشارنویسنده، ج ۳ و ۱، ۱۳۷۱.
- ۱۱- کا. پاتاس و امایا، "برنامه ریزی برای فقرزدایی از طریق توسعه روستایی در هندوستان"، ترجمه کرم حبیب پور و ابولقاسم شریف زاده، نشریه جهاد سازندگی، شماره ۲۵۳، صص ۸۸-۸۲، مهر و آبان ۱۳۸۱.
- ۱۲- نراقی، احمد ابن محمد مهدی، مستند الشیعه، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ج ۲، بی تا.
- ۱۳- یازی، سیدرضا، ابوذر بهروزی، قانون مدنی، نوآور بی جا، ۱۳۹۰.

١٤- يزدانى، حسين، قانون مدنى، قوه قضاييه مركز مطبوعات و انتشارات، ١٣٨٣.

15-Anderson, S and M Eswaran. “**Determinants Female Autonomy: Evidence From Bangladesh**”, Journal of Development Economics,pp.179-191-, 2009.

16-Becker, GS and N Tomes, “**An Equilibrium Theory of the Distribution of Income and Intergenerational Mobility**”, Journal of Political Economy,pp.1153-1189, 1979.

17-Behrman, JR and MR Rosenzweig, “**Parental Allocations to Children: New Evidence on Bequest Differences among Siblings**”. Review of Economics and Statistics ,pp.637-640, 2004.

18-Bina Agarwal. **Land Rights and Women’s Claims in India**. Andreabooher;und;21;2002.

19-Deininger, Klaus &Goyal, Aparajita & Nagarajan, Hari,**Inheritance Law reform and Women's access to capital evidence from hindu succession act Policy Research Working Paper 5338**, The World Bank, 2010.

20 -Duflo, E, .“**Grandmothers and Granddaughters: Old-Age Pensions and Intra-household Allocation in South Africa**”, World Bank Economic Review, 2003

21-Jennifer A ,Johnson. **Violence Against Women**. Vol. 7 No. 9,pp. 1051-1068, September 2001.

22-Jensen, Robert T.,Caste. **Culture, and the Status and Well-Being of Widows in India**. University of Chicago Press,2005.

23 -Kelkar, G. **Violence against women: Perspectives and strategies in India**.p 80, 1992.

24-Major,Andrea, Sati.**Ahistorical Anthology**. new Delhi, University Press, 2007.

25-Mary K. Shenk. **Dowry and Public Policy in Contemporary India**. The Behavioral Ecology of a “Social Evil”;Springer Science Business Media, LLC 2007.

26 -Martha Alter Chen. **Widows in India** . Sage Publications, 1998.

27-Meera Khanna, Vice Chairperson, **Kashmir Interventions**, The Voiceless Millions of Widows in India ;Focus On the Rights of Widows within the CEDAW Framework. Presented by The Guild of Service, India ;The Guild of Service, 2010.

28 -paras Diwan . **Modern Hindu law** . Allah abad law agency 1997.

29-Pandey,Shruti. **Property Rights of Indian Women**.

www. muslimpersonallaw.co.zo, 2002.

30-Thomas, D. **“Like Father, Like Son or Like Mother, Like Daughter: Parental Education and Child Health”**. Journal of Human Resources ,pp. 950-989, 1994.

31 -Victoria A. Velkoff and Arjun Adlakha .**Women of the World**.Source: Persian International Institute for Population Sciences, Figure , 1998.

References

1- Anderson, S and M Eswaran. **“Determinants Female Autonomy: Evidence From Bangladesh”**. Journal of Development Economics, pp.179-191, 2009.

2-Bagherzadeh, Mohammad Reza.**Neghahi be hoghugh zan dar Eslam**. Maarefat Journal, No.70,76-89,2004.

3- Becker, GS and N Tomes. **“An Equilibrium Theory of the Distribution of Income and Intergenerational Mobility”**. Journal of Political Economy, pp.1153-1189, 1979.

4- Behrman, JR and MR Rosenzweig, **“Parental Allocations to Children: New Evidence on Bequest Differences among Siblings”**, Review of Economics and Statistics ,pp.637-640, 2004.

5-Bina Agarwal. **Land Rights and Women’s Claims in India**. Andreabooher, und;21;2002.

6-Deininger, Klaus & Goyal, Aparajita & Nagarajan, Hari. **Inheritance Law reform and Women's access to capital evidence from hindu succession act Policy**. Research Working Paper 5338, The World Bank, 2010.

7- Deylami, Ahmad. **Motale tatbigh Ers-e- zan**. Mofeed Journal, No. 29, pp.95-111S, pring, 2003.

8- Duflo, E. **“Grandmothers and Granddaughters: Old-Age Pensions and Intrahouse-hold Allocation in South Africa”**, World Bank Economic Review, 2003.

9- Ebne Aboo Torab. **maryamNaghsh orf dar hoghugh Hamsaran** . Neday sadegh, Spring, summer, vol.3, pp.18-36, 2011.

10-Fattahizadeh , Fathia. **Zan dar andisheh tarikh va andisheh Eslami**. Qom, Islamic Research Center of IRIB, 2005.

11-Imami, Sayed Hassan. **Hoghugh Madani**. Volume 1, in Tehran Press Bookstore Islamieh, Nineteenth Edition, Spring 1999.

12- Islam Pur, Askare. **Falsafeh ers beyn zan va mard dar Eslam**.

- Ravagh andesheh Journal, No. 35,pp.76-89,2005.
- 13- Jennifer A ,Johnson. **Violence Against Women**. Vol. 7 No. 9,pp. 1051-1068, September 2001.
- 14- Jensen, Robert T. **Caste, Culture**. and the Status and Well-Being of Widows in India, University of Chicago Press,2005.
- 15- Katoozian, naser, civil rights. **Hoghugh madani KHanevadeh**. Tehran, 1993.
- 16- Kelkar, G. **Violence against women**: Perspectives and strategies in India.p 80, 1992.
- 17- K.patas Vamaya. **Barnamehrizi baraye faghrzodayi az tarigh toseeh rustayi dar Hendustan**. Karam Habibpoor and Abolghasem SHarefzadeh Translation, Jahad Sazandegi Journal,No. 253,pp.17-31 September and October,2003.
- 18- Major,Andrea. Sati, **Ahistorical Antho logy**. new Dihli , University Press, 2007.
- 19- Martha Alter Chen. **Widows in India** . Sage Publications ;1998.
- 20-Mary K. Shenk ;Dowry and Public Policy in Contemporary India ; The Behavioral Ecology of a “Social Evil”;Springer Science + Business Media, LLC 2007.
- 21- Meera Khanna, Vice Chairperson. **Kashmir Interventions**. The Voiceless Millions of Widows in India ;Focus On the Rights of Widows within the CEDAW Framework..Presented by: The Guild of Service, India ;The Guild of Service, 2010.
- 22- Niyazi , Sayed reza, Abuzar ,behroozi. **Ghanun Madani**.Tehran, innovation,2005
- 23- Nraghi, Ahmad Ebne Mohammad Mehdi. **Mostanad alsheah**. Aloalbeyt Leahyae altoras,Qom, Volume 2, No date.
- 24- paras Diwan. **Modern Hindu law** . Allah abad law agancy 1997 .
- 25-Pandey,Shruti. **Property Rights of Indian Women**.
www. muslimpersonallaw.co.zo, 2002.
- 26- Pelangi, Mahboobeh. **Jameeh Hend va masael zanan va khanevadeh**. Payam Zan Journal,No. 62, 2000.
- 27-Tavakkoli , Nasren, **Jayeghah va hoghugh zan dar Hendueism va ghavanin jadid Hend**,Social Sciences Journal,No .1,pp.158-173,2011.
- 28-Thomas, D, “Like Father. **Like Son or Like Mother, Like Daughter**: Parental Education and Child Health”.Journal of Human Resources ,pp. 950-989, 1994.
- 29- Victoria A. Velkoff and Arjun Adlakha .**Women of the World**..Source: Persian International Institute for Population

Sciences, Figure, 1998.

30- Yazdani, Hosayn. **ghanun Madani**. judiciary, unwarranted, Center for Media and Publishing,.

31- Zoalayn, Parviz. **Sources of Public International Law**. Institute Vantsharat Department of State, First Print ,2001.